



خیلواکی

استقلال

www.esteglaal.net

حمید انوری

جمعه ۱۱ سپتمبر ۲۰۲۶

"بیست و پنج سال پس از ترور احمد شاه مسعود؛ سرنوشت پرونده" دوسیه" او چه شد؟"

عنوان فوق، عنوان مطلب و مصاحبه است که از آژانس خبری بی بی سی انتشار یافته و نیز یک گفت و گوی کوتاه و مختصر با احمد ولی مسعود، برادر احمدشاه مسعود درج آن گردیده است. هرگاه از چند و چون و اما و مگر های آن گزارش و آن مصاحبه که هیچ دردی از هزاران درد مردم شریف افغانستان را مرحمی نمی گذارد، بگذریم، می رسیم به این واقعیت که بی بی سی هیچ کار و مسئولیت دیگری ندارد، که از بین بیش از یک و نیم میلیون شهید افغانستان در سه دهه گذشته، فقط و فقط یکی را همیشه مطرح میکند که سر و سری نه تنها با انگلستان و سازمان جاسوسی آنها داشته بوده است، بلکه با چندین سازمان جاسوسی دیگر از جمله سازمان جاسوسی روسی آن وقت (کی جی بی) نیز روابط تنگاتنگ داشت. از کشته شدن احمد شاه مسعود، چه از سوی خودی ها بوده باشد و چه از سوی بیگانگان، بیست و پنج سال آزار میگذرد.

در بیست سال اقتدار برادران و فامیل و خانواده احمد شاه مسعود که در مرکز قدرت قرار داشتند و مشغول تجارت مواد مخدر و لاجورد و... بودند، امریکا و متحدین در کنار شان بودند و صاحب قدرت بودند، احمد شاه مسعود هرگز در یاد و خاطر شان نبود، در همان بیست سال قدرت بی حد و حصر می توانستند و قادر بودند تا آن واقعه را با خاطر آسوده و داشتن هرگونه امکانات، دنبال نموده و به نتیجه برسند، اما در آن زمان همه مشغول زراندوزی و چور و غارت بودند و حتی کلیپ های ویدئوی از ضیا مسعود هنوز هم در یوتیوب موجود است که معدن لاجورد در پنجشیر را در زمان حامد کرزی، به یک فرانسوی از کیسه خلیفه می بخشد.

و اما در مورد احمدضیاء: " احمد ضیاء در میان برادران مسعود یک پدیده عجیب بود. هیچ گونه سواد و فهم سیاسی نداشت.

مردم عادی پنجشیر به او لقب «خاله ضیاء گل» داده بودند.

او معاون حامد کرزی شد، اما به جای آن که برای مردم پنجشیر، اندراب، تخار و بدخشان پروژه های بزرگ و کوچک و برنامه های رفاهی برای بهبود زندگی مردم بگیرد، دو بار ارگ را به بیماری «گرگ فساد» بدنام ساخت.

آن قدر حریص و نادیده بود که بکس های پر از دالر را شخصاً به دویی می برد. دو بار به واسطه تماس های ارگ از سوی پولیس دویی، نجات داده شد.

خود کرزی، عبدالله، قانونی، سپنتا و داودزی امروز و در روز آخرت در پیشگاه خدا شاهد این ماجرا هستند.

او یک پسر داشت و آرزوی رسیدن به کرسی ریاست جمهوری را برایش در سر می پروراند. هرگاه به پنجشیر می رفت، پنجاه موتر زرهی لندکروزر همراهش بود و صد عراده رنجر او را بدرقه می کرد.

طول کاروانش به دو کیلومتر می رسید.

تنها مصرف سوخت موترهایش با مصرف نان دو قریه دهقان نشین برابری می کرد.

احمد ضیاء جان حالا هم ناراحت است و می گوید «افغان» نشان هویت ملی افغانستان نیست؛ در حالی که او خود تحت همان قانون اساسی، به نام خدا و قرآن سوگند خورده است که تمام اتباع افغانستان، افغان محسوب می شوند." از منابع دیگر

و اما احمدولی مسعود در همین مصاحبه که از سایت بی بی سی منتشر شده است، بیشتر از ده بار در همین مصاحبه ۲۰ دقیقه ئی خود، از اصطلاح "پرونده" استفاده میکند و تلاش میکند از گفتن "دوسیه" خودداری کند که این خود دشمنی او را با زبان زیبای دری افغانستان به اثبات میرساند. از چند و چون این قضیه میگذرم، چون آب با غربال بردن است و دگر هیچ.

اما آنچه در این مصاحبه قابل درنگ می نماید، این است که ایشان ادعا میکنند که یک "تروریست"، در کمره خویش بمب را جابجا کرده بود و فرد دومی هم یک نوع مواد منفجره را در کمر بند خود انتقال داده بود و...، سوال این است که آیا هردو بمب منفجر شدند و یا فقط یکی از آنها؟!

اگر هردو بمب منفجر شده باشند، چگونه یک نفر از آنها زنده و سلامت و بدون کوچکترین خراش، از راه پنجره فرار کرد و چرا او را در حال فرار کشتند، درحالیکه هیچ چانسی برای فرار از آن دره را نداشت؟!

سوالات بیشماری در مورد طرح شده می تواند، اما حیف وقت گرانبهای هموطنان.

هنگام تجاوز ددمنشانۀ تجاوزگران روسی، بیش از یک و نیم میلیون از هموطنان عزیز ما شهید شدند، چرا باید فقط یک نفر را بزرگ سازی کرد، آنهم فردی که در جنگ افغان- روس کشته نشده و با تجاوزگران روسی، قرارداد صلح و داد و معامله امضا کرده بود.

"... احمد شاه مسعود مسمم شد تا رو در رو در معامله داخل شود و او در سال 1983 در بهار با روسها آتش بس اعلام نمود.

در پرتوکولی که مسعود عقد نموده بود، وی مکلف بود که مواد ذیل را اجرا نماید.

۱- متوقف ساختن عملیات نظامی در سالنگ جنوبی و شاهرا کابل - حیرتان.

۲- به دیگر تنظیم ها و مجاهدین اجازه داده نشود که در ساحات شامل معاهده عملیات نظامی نمایند.

۳- آنعده اتباع روسی که مفقود و یا توسط مجاهدین دیگر تنظیم ها اسیر شده بودند، راجع به آنها جمع اوری معلومات و همکاری با کی جی بی.

۴- خارج از ساحات معاهده احمدشاه مسعود حق عملیات نظامی را ندارد.

در آنزمان احمد شاه مسعود با دشمنان مردم افغانستان یعنی با جنرالهای قوای اشغالگر از جمله به جنرال وی، ای وارینکوف و دیگران رو در رو صحبت میکرد و خون ملت در آنزمان به امر این جنرالها جاری بود." از منابع دیگر

این بود مختصری در مورد کشته شدن احمد شاه مسعود و بزرگ نمائی برادران که بی بی سی میخواهد و تلاش دارد آنانرا بزرگ نمائی نموده و اهداف پشت پرده لندن را بارنگر مطرح ساخته و گویا آب را گل آلود ساخته و ماهی مطلوب شانرا صید نمایند، اما این راهی که روان اند، به ترکستان است و هرگز به مقصد نمی رسد.

این کمترین به کلیپ منتشره بی بی سی تا اخیر گوش ندادم چون ضیا وقت است و تاریخ در مورد دیربست قضاوت کرده است. هموطنانی که مایل به دیدن و شنیدن جفنگیات آن فراری دارند، به سایت بی بی سی مراجعه نمایند.